



یکشنبه ۹ آذر ۱۴۰۴ ● شماره ۸۸۹۸

irannewspapper ● irannewspapper ●



پژواک سرخوشی و شکست

الماسی به بزرگی هتل ریتز اسکات فیتزجرالد
پیش درآمد گتسبی بزرگ بود

ترجمه ندا رحمانی منتشر کرده است.

سبک نگارش فیتزجرالد ترکیبی از نثر شاعرانه، جملات پیچیده و استعاره‌های غنی بود که با توصیفات حسی و عینی از محیط و شخصیت‌ها درآمیخته بود. او از شعر غنایی الهام می‌گرفت و جملاتش را با گوش می‌ساخت، هرچند در آثار اولیه‌اش خطاهای زبانی و ساختار ضعیف دیده می‌شد اما با هر رمان پیشرفت می‌کرد. او با نثر شاعرانه، استعاری و توصیفات زنده‌اش، روح زمانه‌ای را به تصویر کشید که در آن آمریکا از زخم‌های جنگ جهانی اول برمی‌خاست و در تب لذت‌جویی، ثروت و تحول اجتماعی می‌سوخت. شهرت او به عنوان «نویسنده عصر جَز» به دلیل توانایی‌اش در ثبت زندگی نسل جوان دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ است، نسل‌ی که از هنجارهای کهنه سرخورده و در جست‌وجوی هویت جدید بود. «الماسی به بزرگی هتل ریتز» *The Diamond as Big as Ritz* یکی از آثار اسکات فیتزجرالد است که نشر رایبید به تازگی آن را با

در «این سوی بهشت» برای اولین بار این نسل را به تصویر کشید و با توصیف جوانانی که در ماشین‌های رومستر پرسه می‌زدند، بحثی ملی درباره «این اخلاقی» آنها به راه انداخت. مطبوعات او را «پرچمدار جوانان در حال شورش» نامیدند.

آثار او، به ویژه «گتسبی بزرگ»، نشان‌دهنده تضاد بین رویای آمریکایی و واقعیت‌های نابرابری طبقاتی بود. فیتزجرالد که خود به‌عنوان پسر فقیر در میان ثروتمندان پرینستون احساس «بگیری بودن» می‌کرد، این حس را در شخصیت‌هایی مانند جی گتسبی و جان آنگر منتقل کرد. او با نثر شاعرانه و تمثیلی‌اش، زندگی نخبگان و تلاش تازه‌به‌دوران‌رسیده‌ها برای ورود به طبقه بالا را به‌سخره گرفت. گرتزود استاین نوشت فیتزجرالد این نسل را در ذهن عمومی خلق کرد و منتقدان او را به دلیل خودآگاهی بخشی به نسل جَز ستودند.

پرچمدار آگاهی

برخلاف نسل گمشده که مستقیماً از جنگ جهانی اول آسیب دیده بودند، نسل جَز که فیتزجرالد نویسنده آن بود، در دوران نوجوانی از جنگ دور بودند و با شور و سرخوشی به مدرنیته روی آوردند. او

داستان‌های عصر جَز، تمثیلی است درباره سرمایه‌داری، نابرابری طبقاتی و شکستگی رویای آمریکایی. داستان با نثر فاخر و استعاری فیتزجرالد، ثروت را به الماسی عظیم تشبیه می‌کند که هم درخشان است و هم خطرناک؛ این اثر پرسش‌های عمیقی مطرح می‌کند: آیا ثروت ارزش قربانی کردن اخلاق را دارد؟ آیا سرمایه‌داری انسان را به بردگی می‌کشد؟ فیتزجرالد از استعاره به‌عنوان معیاری مانند پول استفاده می‌کند که ارزش‌ها را می‌سنجد و تفاوت‌ها را از میان شباهت‌ها نشان می‌دهد.

داستان با جان تی. آنگر، پسرِی از شهر هادس می‌سی‌سی‌پی، آغاز می‌شود که به مدرسه شبانه‌روزی در بوستون فرستاده می‌شود. او با پرسِی واشینگتن دوست می‌شود؛ پسرِ مرموزی که ادعا می‌کند پدرش «ثروتمندترین مرد جهان» و صاحب «الماسی به بزرگی هتل ریتز» است. هتل ریتز، هتلی مجلل در آمریکا است که به نوعی نماد ثروت محسوب می‌شود. جان دعوت پرسِی را برای گذراندن تابستان در «غرب» می‌پذیرد و به مونتانا می‌رسد، جایی که در پنج مایل مربع زمین نقشه‌نشده پنهان است. فیتزجرالد که حقیقت آشکار می‌شود؛ پدربزرگ پرسِی، فیتز-نومون واشینگتن، کوهی از الماس خالص کشف کرده، اما این ثروت می‌تواند با اشتیاع بی‌پازار بی‌ارزش شود. برای حفظ راز، خانواده واشینگتن به جنایات هولناکی دست می‌زند. بردگان آفریقایی را با دروغ پیروزی کُندراسیون در جنگ داخلی اسیر نگه می‌دارند. برادر مست فیتز-نومون را می‌کشند، خلبانان سرگردان در زندانی می‌کشند و مهمانان را با بهانه بیماری حذف می‌کنند. جان عاشق کیسماین، خواهر پرسِی، می‌شود اما کیسماین به‌طور تصادفی فاش می‌کند که جان نیز باید کشته شود. جان، کیسماین و یاسمین، خواهر دیگر، فرار می‌کنند و داستان با تأمل این سه بازمانده بی‌پول بر سرنوشت‌شان پایان می‌یابد.

پیش‌درآمد گتسبی بزرگ

فیتزجرالد در این نوولا به کاوش مضامینی مانند نابرابری طبقاتی، فساد ناشی از ثروت و شکستگی رویای آمریکایی می‌پردازد. او با استفاده از استعاره الماس، سرمایه‌داری را نقد می‌کند. ثروت، مانند الماس، اگر کنترل‌نشود، بی‌ارزش می‌شود. داستان، تمثیلی است از تجربه شخصی او به‌عنوان فردی حاشیه‌ای در می‌خواست نخبگان پرینستون و نیویورک. او درباره هزینه اخلاقی ثروت بیندیشند،

الماسی به بزرگی هتل ریتز

نوولای «الماسی به بزرگی هتل ریتز»، منتشرشده در ژوئن ۱۹۲۲ در مجله «اسمارت سنت» و سپس در مجموعه

اینکه آیا ارزشش را دارد برای حفظ قدرت، انسانیت را قربانی کنیم؟ پایان باز داستان، برخلاف افسانه‌های سنتی، درس اخلاقی صریحی ارائه نمی‌دهد، بلکه خواننده را به تأمل وامی‌دارد. از آنجا که «الماسی به بزرگی هتل ریتز» روایتی افسانه‌ای دارد، طبیعی است که خواننده انتظار داشته باشد در پایان با آموزه‌های اخلاقی مواجه شود، اما باید پرسید آیا به راستی این داستانی هشداردهنده درباره آزمندی و مادی‌گرایی انسان است؟ کیفرخواستی علیه نظام سرمایه‌داری است؟ یا اساساً تمثیلی برای چیزهای دیگر است؟ متون فیتزجرالد در حقیقت از انطباق با یک سبک ادبی مشخص خودداری می‌کنند و در آنها عناصر ادبی سنتی با تجربیات مدرنیستی ترکیب می‌شوند و به این صورت راهی می‌یابند تا دو ایده مخالف را به‌طور همزمان پیش برند.

نوولای «الماسی به بزرگی هتل ریتز» به چند دلیل اهمیت دارد: **نقد سرمایه‌داری:** فیتزجرالد با ظرافت، بدون شعارزدگی نشان می‌دهد چگونه ثروت بی‌حد، انسان را به سوی فساد و نابودی می‌کشاند. این نقد با مصرف‌گرایی عصر جَز و حتی مادی‌گرایی در دنیای مدرن، مرتبط است.

تمثیلی برای نابرابری طبقاتی: داستان نشان می‌دهد که چگونه نخبگان «پول قدیمی» تازه‌به‌دوران‌رسیده‌ها را سرکوب



نوولای «الماسی به بزرگی هتل ریتز» اسکات فیتزجرالد، تمثیلی سرمایه‌داری، نابرابری طبقاتی و شکستگی رویای آمریکایی. نویسنده ثروت را به الماسی عظیم تشبیه می‌کند که هم درخشان است و هم خطرناک و این پرسش را مطرح می‌کند که آیا ثروت ارزش قربانی کردن اخلاق را دارد؟

نویسنده نسل جَز

فرانسیس اسکات فیتزجرالد که یکی از نویسندگان بزرگ سده بیستم بود و بیش از هر چیز با رمان «گتسبی بزرگ» به شهرت رسید، ۲۴ سپتامبر ۱۸۹۶ در سینت پال مینه‌سوتا، در خانواده‌ای کاتولیک و ایرلندی از طبقه متوسط به دنیا آمد. پدرش اودارد، فروشنده‌ای بود که در شرکت پروکتر اند گمبل کار می‌کرد و مادرش مری، وارث ثروت اندکی بود که خانواده را سرپا نگه می‌داشت. کودکی فیتزجرالد در سایه حس «بگیری بودن» گذشت: او پسری فقیر در میان همسایگان ثروتمند سینت پال بود. از ۱۸۹۸ تا ۱۹۰۱ تا ۱۹۰۸ تا ۱۹۰۸ در بوفالو زندگی کرد و در آکادمی ناردین درس خواند. پس از اخراج پدرش از کار، خانواده به مینه‌سوتا بازگشت و فیتزجرالد در آکادمی سنت پاول پذیرفته شد. در ۱۳ سالگی، اولین داستان کارآگاهی‌اش را در روزنامه مدرسه منتشر کرد، اما در ۱۶ سالگی به دلیل کم‌کاری در درس از آکادمی اخراج شد. سپس به مدرسه نیومن رفت و در سال ۱۹۱۳ وارد دانشگاه پرینستون شد. در پرینستون، فیتزجرالد به‌عنوان دانشجوی متوسط اما مشتاق به نویسندگی شناخته شد. او در نمایش‌های تئاتر دانشگاه و مجله ادبی فعالیت می‌کرد، اما در سال ۱۹۱۷ تحصیل را رها کرد و به ارتش پیوست. در همین زمان با زلدا سیر، دختری



الماسی به بزرگی هتل ریتز

- **نویسنده: اسکات فیتز جرال**
- **مترجم: ندا رحمانی**
- **انتشارات: رایبید**
- **تعداد صفحات: ۹۶ صفحه**
- **قیمت: ۹۵۰۰۰ تومان**

می‌کنند، موضوعی که در «گتسبی بزرگ» نیز تکرار می‌شود. این کاوش در سیستم طبقاتی آمریکا برای خوانندگان امروزی نیز معنادار است. **پیش‌درآمد گتسبی بزرگ:** این نوولا، مانند پیش‌درآمدی، مضامین اصلی گتسبی بزرگ –روای آمریکایی، عشق نافرجام و نابرابری – را معرفی می‌کند و پلی به شاهکار فیتزجرالد می‌سازد. «الماسی به بزرگی هتل ریتز» در زمان انتشارش در ۱۹۲۲، در میان خوانندگان،

کتاب

به‌ویژه جوانانی که در مهمانی‌های پرزرق و برق نیویورک غرق بودند، تأثیری عمیق داشت. داستان، با لحن افسانه‌ای و پایان تأمل برانگیز، خوانندگان را به چالش کشید تا درباره ارزش‌های خود بیندیشند. این داستان بی‌حد و وسوسه‌های مادی‌گرایی، منتقدان آن را به‌عنوان اثری بدیع ستودند اما برخی، مانند محافظه‌کاران اجتماعی، فیتزجرالد را به دلیل به تصویر کشیدن بی‌اخلاقی نسل جوان سرزنش کردند یا این حال، خوانندگان جوان به‌ویژه دانشجویان، داستان را به دلیل صداقتش در به تصویر کشیدن آرزوها و ناامیدی‌هایشان در آغوش گرفتند.

اسکات فیتزجرالد با زندگی پر فراز و نشیب و نثر شاعرانه‌اش، آینه‌ای برای روح آمریکایی بود. «الماسی به بزرگی هتل ریتز» گواهی بر نبوغ اوست. داستانی که با استعاره‌های درخشان، مناسبات اجتماعی را نقد می‌کند و خواننده را به تأمل در هزینه‌های اخلاقی ثروت وامی‌دارد. خواندن این اثر، امروز، در دنیایی که همچنان با نابرابری و مصرف‌گرایی دست و پنجه نرم می‌کند، نه تنها لذت ادبی، بلکه بیداری فکری به همراه دارد. فیتزجرالد با این الماس کوچک اما درخشان، نشان داد چرا صدایش هنوز در گوش نسل‌ها طنین‌انداز است.

ادبیات قرن بیستم



فرانسیس اسکات فیتزجرالد، یکی از برجسته‌ترین نویسندگان قرن بیستم آمریکا و صدای نسل عصر جَز است. دورانی که در دهه ۱۹۲۰ موسیقی جَز در آن رونق پیدا کرد و چنان با فرهنگ آمریکا لذت‌جویی، ثروت و تحول اجتماعی می‌سوخت. شهرت او به عنوان «نویسنده عصر جَز» به دلیل توانایی‌اش در ثبت زندگی نسل جوان دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ است، نسل‌ی که از هنجارهای کهنه سرخورده و در جست‌وجوی هویت جدید بود. «الماسی به بزرگی هتل ریتز» *The Diamond as Big as Ritz* یکی از آثار اسکات فیتزجرالد است که نشر رایبید به تازگی آن را با



خانواده خونین

خانواده ووردالاک نوشته آلکسی تالستوی یک اثر کلاسیک خون‌آشامی است

ادبیات وحشت

داستانی از دل قصه‌های عامیانه

متن اصلی «خانواده ووردالاک» به زبان فرانسه، سال ۱۹۵۰ در شماره بیست‌وششم نشریه «پرسی مطالعات اسلاو» به همت آندره لیرون‌دل به چاپ رسید و ترجمه فارسی آن از روی همین متن انجام شده است، اما ترجمه روسی آن توسط بولسلاو مارکوویچ در ژانویه ۱۸۸۴ برای اولین بار در مجله «پیام‌رسان روس» به چاپ رسید. ۲۲ سال بعد، در نوامبر ۱۹۰۶، «پیام‌رسان اروپا» -ادامه‌دهنده همان مجله- خلاصه‌ای از این داستان شگفت‌انگیز را منتشر کرد. این تأخیرها نشان می‌دهد آلکسی تالستوی، شاعر و نویسنده‌ای که بیشتر با آثار تاریخی‌اش شناخته می‌شود، این رمان کوتاه را به‌عنوان یک تمرین ادبی می‌دید، نه اثری ماندگار؛ با این حال، «خانواده ووردالاک» یکی از اولین نمونه‌های داستان خون‌آشامی در ادبیات روسی و فرانسه است؛ پیش از آثاری مانند «کارمیرا» (۱۸۷۲) نوشته جوزف شردین لو فائو و «دردالاک» (۱۸۹۷) نوشته برام استوکر. واژه «ووردالاک» -که از قصه‌های عامیانه اسلاوی و بالکان گرفته شده و ابتدا در آثار

الکساندر پوشکین ظاهر شد- تحریفی از واژه‌هایی است که به خون‌آشام‌ها یا گرگینه‌ها (هیولاهایی که نیم تنه گرگ و نیم دیگر انسان دارند) اشاره دارند. عادت‌های ووردالاک‌ها مثل خون‌آشام‌های معمولی است، ولی عادت دیگری هم دارند که آنها را ترسان‌ک‌تر می‌کند. ووردالاک‌ها بیشتر دوست دارند خون خویشان‌اندن نزدیک و دوستان صمیمی خود را بکشند، تا همین که فردند، مثل آنها خون‌آشام شوند. تالستوی این عنصر را با سلیقه ادبی دوره رمانتیک درآمیخت و متأثر از پروسپر میرمه، نویسنده فرانسوی و بویژه رمان کوتاه او «گوزلای خون‌آشام» بود. این تأثیر نه‌تنها در موضوع خون‌آشامی، بلکه در ساختار روایی داستان دیده می‌شود: یک رای خارجی که وارد دنیایی محلی و اسرارآمیز شده و مرز بین واقعیت و ماوراءالطبیعه محو می‌شود.

طرحی به ظاهر ساده

داستان در یک روستای کوچک صربستانی رخ می‌دهد، جایی که مارکی دورفه،

ساخته گنادی کلیموف و ایگور شاولاک و «پدر» بایونشل مدره (۱۹۹۱) اثر یوگویی پوفیت. در سال ۲۰۱۲، گای ویلسون، کارگردان انگلیسی هم در فیلم خود «گرگینه» هیولا در میان ما» نیم‌نگاهی به خانواده ووردالاک داشت و در سال‌های اخیر «ووردالاک» (۲۰۲۳) فرانسوی به کارگردانی آدرین یو ساخته شد. این فیلم که در سال ۲۰۲۴ در جشنواره‌ها اکران شد، با استفاده از عروسک برای نمایش ووردالاک، فضایی ترسناک خلق کرده که منتقدان آن را «به‌طور دلپذیری عجیب» توصیف کرده‌اند. آدرین یو، قصه‌های عامیانه را با عناصر مدرن درآمیخته و فیلم را به «ورودی شگفت‌انگیز به گونه فیلم‌های خون‌آشامی» تبدیل کرده و این اقتباس، خون‌آشام را از نماد مانیتیک به موجودی عامیانه بازمی‌گرداند؛ در تضاد با تصویرهای مدرن مانند «گرگ و میش» یا «خاطرات خون‌آشام»، جایی که خون‌آشام‌ها عاشقانه‌اند. تالستوی، به‌تمرکز بر خانواده، پیش‌بینی‌کننده مضامینی مانند «مصحاح به خون‌آشام» نوشته آن رابنس است، اما با طعنی اسلاوی.



آلکسی تالستوی در «خانواده ووردالاک» قصه‌های عامیانه اسلاوی را با مضامین گوتیک اروپایی ترکیب کرده است. برخلاف خون‌آشام‌های مدرن، او در دنیای وحشت و وحشت‌های گوتیک اروپایی ترکیب کرده است. برخلاف خون‌آشام‌های مدرن، او در دنیای وحشت و وحشت‌های گوتیک اروپایی ترکیب کرده است. برخلاف خون‌آشام‌های مدرن، او در دنیای وحشت و وحشت‌های گوتیک اروپایی ترکیب کرده است.

نوزدهم است، در کنار «وارنی خون‌آشام» (۱۸۴۷). اما ریشه‌هایش در قصه‌های عامیانه بالکان، جایی که ووردالاک‌ها اغلب ترکیبی از گرگینه و خون‌آشام هستند، آن را متمایز می‌کند. در روسیه، این داستان به عنوان پلی بین ادبیات غربی و شرقی عمل کرده است. این کتاب بخشی از موج ترجمه‌های آثار کلاسیک گوتیک است که خوانندگان را به کاوش ریشه‌های جهانی وحشت دعوت می‌کند.

اما در دنیای دیجیتال سال ۲۰۲۵، داستان تالستوی الهام‌بخش طنزهای برخط و داستان‌های هوادری شده که ووردالاک را با مسائل مدرن مانند اخبار جعلی یا سرقت هویت ترکیب می‌کنند.

در پایان، «خانواده ووردالاک» بیش از یک یادگار تاریخی است؛ آینه‌ای است برای اضطراب‌های امروزی. تالستوی، بدون اینکه بداند، داستانی نوشت که در سال ۲۰۲۵، با فیلم‌های جدید و بحث‌های برخط، زنده مانده است. ترجمه فارسی این داستان، پلی است بین گذشته و حال، یادآوری اینکه قصه‌های عامیانه هرگز آثار نمی‌میرند، بلکه تنها تحول می‌یابند.



خانواده ووردالاک

ناگفته‌هایی از خاطرات یک ناشناس

- **نویسنده: آلکسی تالستوی**
- **مترجم: محمدعلی رفیعی**
- **انتشارات: رایبید**
- **تعداد صفحات: ۹۶ صفحه**
- **قیمت: ۷۵۰۰۰ تومان**

جایگاه خانواده ووردالاک در ادبیات جهان
در ادبیات جهانی، «خانواده ووردالاک» بخشی از موج ادبیات خون‌آشامی قرن

کنت روسی

کنت آلکسی کنستانتینوویچ تالستوی، شاعر، رمان‌نویس و نمایشنامه‌نویس برجسته روس، ۲۴ اوت ۱۸۱۷ در خانواده کنت‌های تالستوی سنت‌پترزبورگ که از نظر فرهنگی و اجتماعی جایگاه ویژه‌ای در جامعه روسیه داشتند، متولد شد و ۲۸ سپتامبر ۱۸۷۵ درگذشت. او

که پس‌رعموی دور لئو تالستوی، نویسنده شهیر روسیه بود، فعالیت ادبی خود را در ۲۲ سالگی با نگارش دو نوولای گوتیک «خانواده ووردالاک» و «ملاقات در سیصد سال بعد» را به زبان فرانسه نوشت. هر دو این نوولاها به موضوع خون‌آشام‌ها می‌پرداختند، مضمونی که در آن دوره در ادبیات اروپا، به‌ویژه در سبک رمانتیسم، طرفداران بسیاری داشت. «دیدار پس از سیصد سال» را به نوعی می‌توان ادامه یا

مکملی برای «خانواده ووردالاک» دانست. این داستان نیز در فضایی گوتیک روایت می‌شود و شخصیت‌هایی چون «مارکیز دورفه» و «کنتس گرامون» در آن حضور دارند که به جذابیت و پیچیدگی روایت می‌افزایند. این آثار در



قرن نوزدهم روسیه تبدیل شد. سبک او که ترکیبی از رمانتیسم و واقع‌گرایی بود، در کنار توجه به مضامین عمیق انسانی و تاریخی، جایگاه ویژه‌ای در ادبیات روس به او بخشید.